

Research Article

Examining the positions of Islamic law against terrorism

Tofiqh Sobhani Asl^۱, Seyed Hassan Hosseini^۲, Isa Bani Naimeh^۳

Received: ۲۰۲۳/۰۷/۲۴

Accepted: ۲۰۲۳/۰۹/۱۹

Abstract

Given the fact that "terror and terrorism" are current problems and phenomena of the international community and important issues of international law, this article attempted to examine the positions of Islamic law against terrorism, thus attempting to answer these questions: "Basically, what is the definition and ruling of committing terrorist acts from the perspective of Islamic jurisprudence and law? What is the relationship between terror and Islamic punishment? What are the applicable laws, strategies, and rules in combating terrorism?" The answer to these questions is not so simple, because there is no consensus on the definition of "terrorism", even among Western scholars, while any position is limited to presenting a clear and transparent concept of "terrorism", but it can be claimed that "the Islamic legal system, relying on specific belief, moral and jurisprudential (behavioral) structures, like any other legal system, accepts legal violence in the form of punishment and punishment for crimes, but it does not allow illegal violence and any kind of intimidation, terror and violation of the rights and right to life of innocent people." The article, relying on Islamic sources and based on the method of content analysis and utilizing the framework of conceptualization, typology, approach and ultimately strategy in Islamic law and law, considers terrorist acts as an inhuman and destructive phenomenon, illegitimate and contrary to human dignity and rights.

Keywords: Islamic law, terrorism, history of prohibition and criminalization.

^۱ - PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Khuzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. / PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran. (corresponding author) hoseyni1344@gmail.com

^۳ - Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقاله پژوهشی

مبانی فقهی حقوق اسلامی

بررسی مواضع حقوق اسلام در برابر تروریسم

توفیق سبحانی اصل^۴، سید حسن حسینی^۵، عیسی بنی نعیمه^۶

چکیده

با عنایت به این واقعیت که «ترور و تروریسم» از معضلات و پدیده‌های روز جامعه جهانی و از مباحث مهم حقوق است، این نوشته تلاش کرد مواضع حقوق اسلام در برابر تروریسم را مورد بررسی قرار دهد، لذا سعی شد به این سؤالات پاسخ داده شود؛ «اساساً ارتکاب اعمال تروریستی از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی چه تعریف و حکمی دارد؟ ارتباط ترور با مجازات اسلامی چیست؟ حقوق، راهکارها و قواعد قابل اعمال در مبارزه با تروریسم چیست؟» پاسخ به این پرسش‌ها چندان ساده نیست، زیرا در تعریف «تروریسم» اتفاق نظر، حتی در بین اندیشمندان غربی، وجود ندارد، درحالی که هرگونه موضع‌گیری متوقف بر ارائه مفهومی روشن و شفاف از «تروریسم» است، اما می‌توان ادعا کرد، «نظام حقوقی اسلام با تکیه بر ساختارهای اعتقادی، اخلاقی و فقهی (رفتاری) مشخص، مانند هر نظام حقوقی دیگر، خشونت قانونی در قالب تنبیه و مجازات برای جرایم را می‌پذیرد، اما خشونت غیرقانونی و ایجاد هرگونه رعب، وحشت و تجاوز به حقوق و حق حیات انسان‌های بی‌گناه را جایز نمی‌داند». مقاله با تکیه بر منابع اسلامی بر اساس روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از چارچوب مفهوم‌شناسی، گونه‌شناسی، رویکردشناسی و در نهایت راهکارشناسی در حقوق و قانون اسلامی اقدامات تروریستی به‌عنوان پدیده‌ای ضد بشری و مخرب، نامشروع و مغایر با کرامت و حقوق انسانی است.

واژگان کلیدی: حقوق اسلام، تروریسم، سابقه ممنوعیت و جرم انگاری.

^۴ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. /

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

^۵ - استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران. (نویسنده مسئول)

hoseyni1344@gmail.com

^۶ - استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

ترور و تروریسم یکی از مباحث پررونق محافل سیاسی، حقوقی دنیا و مجامع بین‌المللی است. بررسی تاریخ ملل گواه این ادعاست که بهره‌برداری از جو رعب و وحشت ناشی از ترور همواره جزئی از سازوکارهای غیرانسانی و نسبتاً مؤثر بشر در ادوار گذشته بوده است (عبداللهی، ۱۳۸۸: ۱۹). طی گذشت قرون متمادی نه تنها از شدت آن کاسته نشده، بلکه افزوده شده و امروزه به عنوان یکی از معضلات جوامع و دولت‌ها در سطح داخلی و بین‌المللی مطرح است.

با اهمیت یافتن مسئله تروریسم در سطح بین‌المللی و موقعیت خاص کشور ایران و آسیب‌پذیری‌های جمهوری اسلامی در سطح ملی مانند مرزها، وجود اقوام و مذاهب مختلف و در سطح منطقه‌ای ناتوانی برخی دولت‌های همسایه در اعمال حاکمیت بر کشورشان و گسترش جریان‌ات و گروه‌های تکفیری تروریستی، درگیری اجتناب‌ناپذیر جمهوری اسلامی ایران با این مسئله، تبیین مبانی نظری مفهوم تروریسم اهمیت می‌یابد. این ضرورت زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم در سطح بین‌المللی اجماع نظری درباره تروریسم وجود ندارد و کشورها، سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای فراخور درک، برداشت، ارزش‌ها و فرهنگ خود تروریسم را به اشکال مختلف تبیین کرده‌اند (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۳).

با توجه به این عوامل چند هدف عمده برای تبیین مبانی و مفهوم تروریسم در فقه و حقوق اسلامی از آن وجود دارد. اول، ایجاد منطق عمل، تعیین عناصر شناختی و شفاف کردن نگرش و مواجهه با این مسئله از نظر فقه و حقوق اسلام؛ دوم، افزایش توانایی در ارائه راهکار و راهبرد منطقی و مشخص در جهت مبارزه با تروریسم؛ سوم، رسیدن به یک گفتمان مشخص در خصوص تروریسم از منظر فقه و حقوق اسلامی. به همین دلیل، در این نوشتار پس از یک بحث مفهوم شناختی بر آن هستیم، واژه تروریسم را از دیدگاه حقوق اسلامی موردبررسی قرار داده و به این سؤالات پاسخ دهیم: اساساً ارتکاب عملیات تروریستی از دیدگاه حقوق و تعالیم شریعت اسلام چه تعریف و حکمی دارد؟ ارتباط ترور با مجازات اسلامی چیست؟ حقوق، راهکارها و قواعد قابل‌اعمال در مبارزه با تروریسم چه می‌تواند باشد؟ پاسخ به این پرسش‌ها چندان ساده نیست. اما می‌توان ادعا کرد، از دیدگاه حقوق داخلی و بین‌المللی اسلام، ایجاد هرگونه رعب، وحشت و تجاوز به حقوق بی‌گناهان، تخریب مصالح، اموال و کرامت انسان‌ها جایز نیست و مبارزه با تروریسم از نوع نهی از منکر است و اسلام با احترام به حقوق و به‌ویژه حق حیات انسان‌ها با تروریسم مخالف است. در جهت بررسی مدعا، این نوشتار سعی دارد با تکیه بر منابع اصیل اسلامی بر اساس روش تحلیل محتوا و بهره‌گیری از چارچوب مفهوم‌شناسی، گونه‌شناسی، رویکردشناسی و در نهایت راهکارشناسی به ارائه بحث بپردازد.

۲- تبارشناسی تروریسم

تروریسم از پدیده‌هایی است که در زمان ما، به‌ویژه در حوزه حقوق و روابط بین‌المللی، درباره آن بسیار سخن گفته می‌شود. در دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون نقش، کارکرد و جایگاه تروریسم در دوران مختلف موردبررسی قرار گرفته و در آن سوابق اقدامات تروریستی به دروان باستان نیز کشیده می‌شود. در این خصوص توجه به اقدامات تروریستی امپراتوری‌های روم نظیر تیبریوس در سرکوب مخالفان سیاسی، شکنجه و تفتیش شدید عقاید مردم در هلند و اسپانیا در طول قرون وسطی از جمله موارد است (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

در هر روی با توجه به قدمت ترور، تاکنون به علت گستردگی و پیچیدگی این مفهوم تعریف واحدی که مورد قبول همگان باشد از آن به عمل نیامده است (فلوری، ۱۳۸۰: ۱۲۵ و ۱۲۶)، لذا ارائه یک تعریف دقیق و کامل از مفهوم تروریسم کار تقریباً دشواری است، بدان دلیل که واژه تروریسم در جهان به شکل‌های گوناگون و احياناً متضاد مثلاً، به عنوان وسیله‌ای برای سرکوب علیه استقلال طلبی‌ها، نفی وابستگی‌ها و محرومیت‌ها، ایستادگی در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و قیام‌های مردمی در برابر رژیم‌های استبدادی وابسته به کار گرفته می‌شوند و درعین حال، پوششی برای شیوه‌های تهدید و اربابی هستند که ابرقدرت‌ها برای پیشبرد سیاست‌های سلطه‌گرانه و تجاوزکارانه خود در جهان به وجود آورده‌اند. همین ابهام در مفهوم «ترور» و «تروریسم» موجب ناکامی در مبارزه جدی با آن شده است، زیرا ناکامی جامعه بین‌المللی در تعریف «تروریسم»، علتی سیاسی دارد، نه علمی. دولت‌های سرخورده و ناتوان یا آن‌ها که قربانی جرائم اقتصادی و اجتماعی هستند یا چنین چهره‌ای از خود ترسیم می‌کنند، از گردن نهادن به تعریفی صرفاً شکلی یا مبتنی بر واقعیات از تروریسم سرباز می‌زنند. این دولت‌ها، بی‌آنکه آشکارا تروریسم را بستانند، تلویحاً آن را توجیه می‌کنند و غالباً آن را آخرین حربه ضعفا به شمار می‌آورند (فلوری، ۱۳۸۰: ۱۲۵)، لذا همواره پرسش‌هایی در زمینه مفهوم تروریسم مطرح بوده است که پاسخ گفتن به آن‌ها به سادگی میسر نیست، از جمله اینکه آیا باید تعریف تروریسم کلی باشد یا موارد و مصادیق را معین کند یا هر دو مقصود را برآورده سازد؟ آیا این تعریف باید محدود به افراد و گروه‌ها باشد یا تروریسم دولتی را نیز شامل شود؟ آیا اقدامات گروه‌های آزادی‌بخش را نیز در برمی‌گیرد یا نه؟ آیا باید قصد و انگیزه مجرمانه را نیز به عنوان اجزای ضروری تروریسم تلقی کرد یا خیر؟ جایگاه حقوق بشر، حقوق شهروندی و انسانی در تروریسم چه می‌شود؟

۱-۲- مفهوم «تروریسم» در حقوق بین‌الملل

امروزه بر خلاف گذشته جنبه بین‌المللی ترور و تروریسم افزایش یافته است. برخی از تعاریف درباره تروریسم بین‌المللی عبارت‌اند از:

- در پیوست تکمیلی فرهنگ لغات فرهنگستان علوم فرانسه، تروریسم چنین معنا شده است: «نظام یا رژیم وحشت». (طیب، ۱۳۸۰: ۵۵)؛
- بر پایه نوشته دایره‌المعارف بریتانیکا، تروریسم به معنی «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی است» (همان: ۵۶)؛
- تعریف سازمان ملل در قطعنامه ۱۹۴. مجمع عمومی سازمان ملل «تروریسم» را فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیزی می‌داند که گروه‌های سازمان‌یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می‌دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف سیاسی را میسر سازند (آندرو بوسا، ۱۳۷۷: ۱۲۰)؛
- شریف بسیونی معتقد است: «رفتار اجبارآفرین فردی یا دسته‌جمعی با به کارگیری استراتژی‌های خشونت آمیخته با ارباب که دربرگیرنده یک عنصر بین‌المللی یا هدف‌گیری شده بر ضد یک آماج تحت حمایت بین‌المللی است و هدف از آن رسیدن به نتیجه‌های قدرت‌طلبانه است. چنین رفتاری در موارد زیر دربرگیرنده یک عنصر بین‌المللی است: ۱. مرتکب و قربانی، شهروندان دولت‌های مختلف باشند؛ ۲. همه یا بخشی از این رفتار در بیش از یک کشور انجام شود (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

آماج‌های تحت حمایت بین‌المللی عبارت‌اند از:

- غیرنظامیان بی گناه؛
- دیپلمات‌های دارای استوارنامه مورد قبول و کارمندان سازمان‌های بین‌المللی که در داخل حوزه فعالیت خود عمل می‌کنند؛
- هواپیمایی غیرنظامی بین‌المللی؛
- پست و دیگر وسایل ارتباط بین‌المللی؛
- اعضای نیروهای مسلح که درگیر جنگ نباشند.

نتیجه قدرت‌طلبانه نیز نتیجه‌ای است که هدف آن تغییر یا حفظ ساخت‌ها یا خط‌مشی‌های فعال سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی یک دولت یا سرزمین مشخص از طریق استراتژی‌های اجبارآفرین باشد (دردریان و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۷۳)؛

استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت به صورتی نظام‌مند برای نیل به اهداف سیاسی (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۸۰۴).

در قانون داماتو «اصطلاح اقدام تروریسم بین‌المللی به عملی گفته می‌شود که: الف. برای جان انسان، خشونت‌آمیز یا خطرناک باشد یا اینکه ارتکاب آن در حوزه صلاحیت ایالات متحده یا هر کشور دیگر، جرم جنایی محسوب شود؛ ب. ظاهراً با اهداف زیر صورت گیرد: ۱. ایجاد ارباب و وحشت و فشار بر اشخاص غیرنظامی؛ ۲. حکومت از طریق ارباب و فشار؛ ۳. تأثیرگذاری بر رفتار حکومت از طریق سوءقصد یا آدم‌ربایی (فرزین‌نیا، ۱۳۷۶: ۱۱۸).

والتر لاکوئیور، رئیس شورای پژوهش بین‌المللی مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا، معتقد است: «تروریسم به‌عنوان کاربرد زور یا تهدید به زور در داخل یک کشور به‌منظور ایجاد ترس و وحشت در جامعه، تضعیف و حتی سرنگونی نهادهای موجود و ایجاد تغییرات سیاسی تعریف شده است. او می‌افزاید بزرگ‌ترین تحولی که طی سال‌های اخیر صورت گرفته، این است که تروریسم دیگر فقط جنبه نظامی ندارد و فعالیت‌های تروریستی از حمله علیه اهداف ویژه، همچون مقامات سیاسی به سمت کشتارهای عمومی و کور در حال حرکت است، البته تاریخ نشان می‌دهد تروریسم غالباً تأثیر سیاسی اندکی داشته است و گروه‌های تروریستی پس از سال‌ها مبارزه مسلحانه و از دست‌دادن تعداد زیادی از نیروهای خود، شاهد پیشرفتی در کارشان نیستند، بلکه تروریسم مایه تشدید خصومت و جنگ و مانع از برقراری صلح است؛ بنابراین، برخلاف انتظار، عملیات تروریستی نتایج معکوس در افکار عمومی به وجود آورده است، به این دلیل که، تصمیم به استفاده از خشونت تروریستی همیشه یک تصمیم عقلانی نیست، زیرا اگر این‌طور بود، باید میزان تروریسم در جهان بسیار اندک باشد. تلاش تروریستی، در ۹۹ درصد محکوم به شکست است، اما همان یک موردی که شانس موفقیت دارد، می‌تواند قربانیان زیادی برجای گذارد، خسارات مادی بسیاری به بار آورد و وحشت و هراس بزرگ‌تر از هر چیزی که جهان تاکنون تجربه کرده است، ایجاد کند (شیرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۶).

از مجموع تعاریف بالا می‌توان موارد ذیل را به عنوان مؤلفه‌های یک اقدام تروریستی برشمرد:

- ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت؛
- غیرقابل پیش‌بینی و غیرمنتظره‌بودن؛
- داشتن انگیزه و هدف سیاسی؛
- صدمه‌رساندن به مردم عادی و بی‌گناه؛

۲-۲- مفهوم «تروریسم» از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی

در فرهنگ اسلامی به‌طور عام و در فقه و حقوق اسلامی به‌طور خاص، واژه «ترور» به کار نرفته (شاهرودی، ۱۳۸۰: ۱۳)، اما برخی اندیشمندان مسلمان با نزدیک‌دانستن معنای «تروریسم» به تهدید و ارباب معتقدند، ترور در لغت به معنای ترس و وحشت زیاد است. در حقوق اسلامی ترور عبارت است از هر نوع عملی که به‌منظور اهداف غیرانسانی و در جهت فساد و متضمن به خطر افکندن امنیت و ایجاد زمینه تعرض و محدودیت در مورد حقوق مشروع بشری و موجب سلب آرامش شود. تهدید و ارباب به این معنا می‌تواند در قالب‌های متفاوتی نمود پیدا کند، از جمله در شکل تولید سلاح‌های مخوف هسته‌ای، میکروبی، استراتژی‌های جنون‌آمیزی همچون جنگ ستارگان، پیمان‌های نظامی، ایجاد رژیم‌های بی‌ریشه و سرکوبگر مانند رژیم غاصب اسرائیل که نه تنها منطقه خاورمیانه، بلکه سراسر جهان از فتنه و فساد آن در امان نیست و فاجعه «قانا» در لبنان، «دیر یاسین»، «صبرا» و «شتیلا» در فلسطین جلوه‌های بارزی از اقدامات تروریستی هستند. متأسفانه با سکوت و احیاناً رضایت و بلکه حمایت دولت‌های غربی مدعی مبارزه با تروریسم، جهان را تا حد یک جنگ تمام‌عیار در مقیاس جنگ جهانی مورد تهدید قرار داده‌اند. با اشغال و تجاوز به حاکمیت سرزمینی عراق و افغانستان به نام مبارزه با تروریست‌هایی مانند «القاعده»، «طالبان» و حزب «بعث» عراق که ساخته و پرداخته خودشان بوده‌اند، اقدامات جنایت‌کارانه و تروریستی انجام داده و از تمام منطقه خاورمیانه، بلکه جهان و حتی از مردمان خود نیز آسایش و امنیت را سلب کرده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۲۶).

برخی دیگر با تعریف «ترور» به ایجاد ترس و وحشت می‌گویند، «تروریست» کسی است که دست به سلاح می‌برد تا در جامعه ایجاد رعب و وحشت کند. از این رو، در اصطلاح فقهی «ترور» را مترادف با مفهوم «محاربه» می‌دانند. از لحاظ حقوقی نیز روشن است که هم در داخل یک کشور و هم در سطح بین‌المللی، اعمال تروریستی، خواه‌ناخواه به‌عنوان یکی از جرایم علیه اشخاص، اموال، امنیت داخلی و خارجی و آسایش عمومی مطرح می‌شوند، البته در این خصوص، دو رویکرد حقوقی وجود دارد:

الف. برخی کشورها با توجه به عناوین پیش‌بینی شده در قوانین کیفری، مفهوم «تروریسم» را مفهومی جدید نمی‌دانند؛ مانند آلمان و سوئد؛

ب. برخی دیگر از کشورها برای مفهوم «تروریسم»، همگام با کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی، یک سیاست جنایی تقنینی در قبال تروریسم اتخاذ می‌کنند مانند فرانسه. در این رویکرد، تروریسم یک جرم جدید محسوب می‌شود (کوشا، ۱۳۸۰: ۱۲ و ۱۳).

اما همان‌گونه که گفته شد، در فرهنگ و ادبیات حقوقی و سیاسی اسلام این واژه سابقه‌ای ندارد، ولی اگر بتوان عناصر تحلیلی آن را به دست آورد، چه‌بسا تحت عنوان «محاربه، ارباب، تهدید و اعمال خشونت، فتک، و اغتیل» قابل مطالعه و بررسی باشد.

فتک: در زبان عربی «الفتک» یعنی هر شخصی که از غفلت فرد دیگری استفاده و او را کشته یا مجروح کند (دموش عاملی، ۱۳۸۲: ۲۵۰). از این تعریف می‌توان استفاده کرد و فتک را به عموم افراد یا حتی به جوامع تعمیم داد. اصل مسلم

این است که عمل فتک مغایر حقوق انسانی و اسلامی است. روایاتی در خصوص فتک آمده است که ما امروز از آن به ترور تعبیر می‌کنیم، ولی اعم از ترور است. روایتی در این خصوص هست که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند، مبنی بر اینکه پیغمبر(ص) فرمود: «الایمانُ قید الفتک؛ ایمان فتک را تقیید می‌زند و مانع می‌شود» و نیز در بعضی از روایات آمده است که «الاسلام قید الفتک؛ اسلام به فتک تقیید می‌زند و از آن منع می‌کند». روایت دیگری از رسول اکرم(ص) که فرمود: «من فتک بمؤمنٍ یُریدُ نفسَهُ و ماله فدمه مباح». این‌ها روایات خاصه‌ای هستند که در خصوص فتک از رسول اکرم(ص) از طرف شیعه و سنی نقل شده‌اند (مرعشی، ۱۳۸۰: ۳۱).

اغتيال: در روایات مختلفی کلمات «اغتيال، یغتال، اغتیل» را می‌بینیم. مثلاً در باب قاعده «لوث و قسامه» وقتی که از حضرت صادق(ع) سؤال می‌کند آیا قسامه حق است، ایشان می‌فرمایند: اگر ما این را تشریع نمی‌کردیم، همه می‌آمدند و اغتیل می‌کردند، بعد راهی برای اثباتش نبود. مثلاً مخفیانه می‌آمدند کسی را ترور می‌کردند و شاهی نبود تا بیته عادل به یاوریم (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰: ۱۸۲). به نظر می‌رسد ترور، قتلی است (اغتيال هم از آن است) که بدون حکم دادگاه انجام شود؛ بنابراین باید به این نکته مهم توجه شود که در اسلام اگر قتل، کیفری دارد، باید از طریق دادگاه صادر شود. البته این حق برای فرد باقی است که از خود دفاع کند و حکم بدون حساب و کتاب درباره او صادر نشود.

ارهاب: در برخی منابع عربی ارهاب را شایسته ویژگی‌های مفهوم جدید تروریسم دانسته و از جهت معنایی آن را نزدیک به واژه تروریسم می‌دانند، اما با دقت در آیات (انبیاء: ۹۰؛ قصص: ۳۲؛ حشر: ۱۳ و...) قرآن می‌توان نتیجه گرفت، میان واژه ارهاب و تروریسم انطباق خاصی وجود ندارد.

محاربه: برخی فقه‌های اسلامی معتقدند، واژه محاربه که مصداق مفسد فی الارض است، از واژگانی است که با واژه تروریسم شباهت زیادی دارد. صاحب جواهر محارب را کسی می‌داند که سلاح خود را برای ترساندن مردم بکشد یا آن را حمل کند (نجفی، ۱۳۶۳: ۵۶۴). امام خمینی(ره) نیز معتقد است محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم و ایجاد فساد روی زمین بیرون بکشد یا مجهز کند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۹۲).

باب هفتم قانون مجازات اسلامی به محاربه و افساد فی الارض تعلق دارد و در این باب مفهوم محاربه، حدود و مجازات آن تعیین شده است. ماده ۱۸۳ این قانون محارب را کسی می‌داند که برای ایجاد رعب، هراس، سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد. باوجوداین، باید توجه داشت برخی مفاهیم ممکن است انطباق بیشتری با ترور و تروریسم داشته باشند؛ مانند محاربه، ارباب و افساد فی الارض، ولی برخی دیگر اخص یا اعم یا عام هستند. در برخی موارد، بر همدیگر انطباق پیدا می‌کنند و در موارد دیگر متفاوت‌اند. ازاین‌رو، نمی‌توان احکام آن عناوین و موضوعات را به‌طور خاص به ترور و تروریسم سرایت داد. طبق این تعاریف ترساندن مردم در معنای عام به کار رفته و مراد از مردم ناس و مطلق است، حتی در مواردی شامل مسلمان و غیرمسلمان است؛ بنابراین اگر فعل موجب ترساندن غیرمسلمان هم بشود، فرد یا افراد محارب محسوب می‌شوند. البته برخی از فقها جغرافیای اطلاق این واژه را دار الاسلام می‌دانند (شکوری، ۱۳۷۷: ۱۹۹)، لذا واژه‌های متفاوتی در حقوق اسلامی است که هر کدام به‌نوعی اقدامات غافلگیرانه و خشونت‌آمیز سلب آسایش و ایجاد ناامنی را نهی کرده و این در آیات قرآن و سیره معصومین بارها تأکید شده است.

۳-۲- عناصر «تروریسم» از منظر حقوق اسلامی

همان‌گونه که بیان شد، در فرهنگ و حقوق اسلامی تروریسم و ترور یک عمل با بار منفی است و دربرگیرنده عناصر ذیل است:

- مهم‌ترین عنصر تروریسم سلب امنیت و آسایش است که آن را تا حد بزرگ‌ترین جنایت برای بشریت خطرناک می‌سازد؛
- انگیزه آن مقاصد غیرانسانی و ضد بشری است که معمولاً عاملان تهدید و ارباب را به انجام جنایاتی علیه بشریت وامی‌دارد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۲۶ و ۴۲۷)؛
- اقدام خشونت‌بار و به‌کارگیری سلاح یا تهدید به آن؛
- غیرقانونی‌بودن و هنجارشکنی اقدامات تروریستی؛
- قربانیان، یعنی همان کسانی که مورد حمله تروریستی قرار می‌گیرند، غیرنظامیان و افراد بی‌گناه هستند.

به همین دلیل برخی از اندیشمندان میان «تروریسم» و «مبارزات آزادی‌بخش» تفکیک قائل شده و معتقدند، مبارزات آزادی‌بخش تابع حقوق درگیری‌های مسلحانه است. مبارزاتی که هدف آن خاتمه‌بخشیدن به سلطه استعمار، اشغال بیگانه و برچیدن نظام‌های نژادپرست است، مشمول مقررات پروتکل الحاقی یک تا چهار کنوانسیون ژنو است. در این پروتکل، با اشاره به رعایت اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، از هرگونه اقدام خشونت‌آمیز با هدف آن ایجاد رعب و وحشت در میان غیرنظامیان و حملات غیر تبعیض‌آمیز منع شده است (ممتاز، ۱۳۸۰: ۱۳)؛ بنابراین به‌صورت قاطعانه می‌توان گفت ترور و تروریسم از منظر اسلام مردود است و برخلاف دستورات و اهداف صلح طلبانه اسلام است.

۳- گونه‌شناسی تروریسم

در گفتمان‌ها و اسناد امنیتی بررسی شده دسته‌بندی‌های مختلفی از تروریسم ارائه شده است. گونه‌شناسی بر اساس محیط فعالیت، موضوع و نیز گونه‌شناسی بر اساس انگیزه عمل قابل تقسیم است.

گونه‌شناسی بر اساس موضوع موسع‌ترین دسته‌بندی است و می‌توان از تروریسم ملی‌گرا، تروریسم سیاسی، تروریسم مذهبی، تروریسم تحت حمایت دولت‌ها، تروریسم دولتی، سایبر تروریسم، تروریسم انتحاری، تروریسم جنایی، تروریسم کشاورزی، تروریسم هسته‌ای و تروریسم آزاد نام برد. این تقسیم‌بندی بیشتر ناظر بر جنبه خشونت و مغایرت آن با حقوق بشر و حقوق انسانی و اسلامی است (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۲۱۷).

در اندیشه دینی و حقوق اسلامی هرگونه اعمال تروریستی محکوم است. در حقوق و قوانین اسلامی منبعث از احکام الهی، تمام اعمال انسان بر اصول و مبانی خاصی استوار است، لذا اعتقادات و باور انسان دینی بر مبنای خاصی شکل گرفته و بر اساس این مبنا نوع خاصی از بینش، گرایش و کنش شکل می‌گیرد؛ بنابراین این‌گونه نیست که نوع تمایلات و هدف استفاده از وسیله را توجیه کند، بلکه در هر شرایطی باید احکام و قوانین الهی و به‌ویژه حقوق انسانی در غالب بزرگ‌ترین حق، یعنی حق الناس در اندیشه اسلامی از جایگاه ویژه‌ای در حقوق اسلامی برخوردار است. بر این اساس هرگونه عمل غیرانسانی محکوم و منفور است.

۲-۳- دیدگاه اسلام درباره تروریسم

چنانچه گذشت نه در حقوق بین الملل معاصر و نه در فقه و حقوق اسلامی، تعریف واحد و مورد اتفاقی از «ترور» و «تروریسم» ارائه نشده است. با وجود این، به لحاظ اشتراک نظر در بعضی عناصر و ارکان این موضوع، در یک نگاه کلی و با صرف نظر از مصادیق و برخی جزئیات، بار منفی آن غیرقابل انکار است. اما برای بررسی دقیق تر دیدگاه اسلام و توجه به اصل اساسی حق الناس و حقوق انسانی در این باره، مراجعه به اصول کلی اسلام مرتبط با این موضوع و نیز عناوین نزدیک به این مفهوم ضروری است.

۱-۲-۳- اسلام؛ دین صلح و امنیت

اسلام دین حقیقت است و خداوند به امنیت و سلامتی دعوت می کند: «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس: ۲۵)، آن هم امنیت جاوید و سلامت ابدی: «عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۴) هم نحوه دعوت الهی با روش معروف و منطقی و به نیکوترین شیوه است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلَا تَأْتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل: ۱۲۵) و هم در روابط بین المللی اسلام، اصل همزیستی مسالمت آمیز حکم فرماست؛ چنان که خدای متعال می فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ... فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸).

بنابراین بر اساس حقوق اسلامی، اسلام نه تنها به ستیز با کفاری که در دین با ما مبارزه نمی کنند یا مسلمانان را از سرزمین خود آواره نمی کنند، دستور نمی دهد، بلکه ما را از نیکی کردن و به عدالت رفتار کردن با آنان فرمان می دهد. این پیش دستی دین اسلام در زمان اوج اقتدار است که از کفار در اقلیت بودند، می خواهد بر اساس توحید و کلمه واحد جمع شوند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران: ۶۴).

از دیدگاه اسلام، امنیت بالاترین نویدی است که به جامعه در راه ایمان و عمل صالح داده می شود و نیز بالاترین سطح ارتقا و تعالی بشر است: «لِيُبدِلْنَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور: ۵۵) و تأمین امنیت عمومی برای تمام شهروندان، خواه مسلمان یا غیرمسلمان، از وظایف اولیه همه حکومت هاست. در حقوق و قانون اسلامی چنانچه برای یکی از شهروندان حکومت اسلامی، حتی اگر یهودی باشد یا مسیحی، به نحوی ناامنی ایجاد شود، رهبر عالی و فرمانده کل قوا آن قدر ناراحت می شود که می گوید، اگر من (علی) یا هر انسان آزاده دیگری این خبر را بشنود و از تأسف جان دهد، جا دارد (صبحی صالح، ۱۴۱۲: ۶۹).

روایات متعدد و فراوانی در حرمت و منع ترور و قتل پنهانی وجود دارد. از جمله پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی در معراج بودم، چیزها و مواردی را دیدم. پرسیدم این ها چیست؟ گفتند: این ها نشانه های آخرالزمان است. پرسیدم یعنی چه زمانی آخرالزمان است؟ خداوند عزوجل فرمود: آخرالزمان وقتی است که علم محو و جهل ظاهر شود، قاریان قرآن زیاد شوند و عمل کاهش یابد، ترور بالا رود، فقهای هدایت گر اندک و فقهای گمراه و خیانت کار زیاد و شاعران فراوان شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۲۲۷).

همچنین در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید آمده است: هنگامی که پیامبر (ص) رحلت فرمود و علی (ع) به غسل و دفن آن حضرت مشغول بود، با ابوبکر برای خلافت بیعت شد. در این هنگام زبیر و ابوسفیان و گروهی از مهاجران با عباس و علی (ع) برای تبادل نظر و گفت‌وگو خلوت کردند. آنان سخنانی گفتند لازمه تهییج مردم و قیام بود. عباس (که خدایش از او خشنود باد) گفت: سخنان شما را شنیدم و چنین نیست که به سبب اندک بودن یاران خود از شما یاری بخواهیم و چنین نیست که به سبب بدگمانی، آرای شما را رها کنیم. ما را مهلت دهید تا ببیندیشیم، اگر برای ما راه بیرون شدن از گناه فراهم شد، حق میان ما و ایشان بانگ برخواهد داشت؛ بانگی چون زمین سخت و دشوار و در آن صورت دست‌هایی را برای رسیدن به مجد و بزرگی فرا خواهیم گشود که تا رسیدن به هدف، آن‌ها را جمع نخواهیم کرد و اگر چنان باشد که به گناه درافتیم، خودداری خواهیم کرد و این خودداری هم به سبب کمی شمار و کمی قدرت نخواهد بود. به خدا سوگند اگر نه این است که اسلام مانع از هرگونه غافلگیری (فتک و ترور) است، چنان سنگ‌های بزرگ را بر هم فرومی‌ریختم که صدای برخورد و ریزش آن از جایگاه‌های بلند به گوش رسد (ابوالفضل، ۱۳۸۵: ۲۱۹).

۲-۲-۳- ترور یک نفر؛ ترور همه بشریت

قرآن کریم در سخن از اولین ترور در تاریخ بشر به همین نکته اشاره کرده است. می‌دانیم اولین حادثه تروریستی در تاریخ انسان بین هابیل و قابیل اتفاق افتاد که دو برادر هستند و با هم رقابت داشتند. قابیل نتوانست از راه منطق و استدلال حرف خود را به کرسی بنشاند و برای همین دست به کاری خشونت‌آمیز زد و برادر خود را ترور کرد. قرآن نکات بسیار آموزنده‌ای در مورد این حادثه بازگو می‌کند، از جمله اینکه هابیل خطاب به برادرش می‌گوید: اگر تو دست به قتل من بزنی، مجوز آن نیست که من هم این کار را بکنم. پاسخ خشونت تو، خشونت من نیست. پس از بیان این حادثه در آیه ۳۲ سوره مائده چنین نتیجه‌گیری می‌شود: «مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس بدون حق دست به خشونت ببرد و یک نفر را به صورت غیرمجاز از نعمت زندگی محروم کند مثل این است که تمام افراد بشر را از ابتدا تا انتها کشته است». اسلام به ما آموخته حرمت و کرامت یک انسان به اندازه حرمت و کرامت تمام بشریت است. در این آیه تنها دو استثنا ذکر شده است: یکی اینکه کسی مرتکب قتل شده باشد که او هم به حکم قصاص باید کشته شود و دیگر اینکه کسی بخواهد زندگی انسان‌ها را تباه کند که این مصداق محاربه و فساد فی الارض است.

۳-۲-۳- تروریسم؛ مصداق محاربه

تروریسم لزوماً به معنای قتل نیست؛ هدف اصلی تروریسم ایجاد رعب و وحشت است. اگر وحشت و ترس در جامعه مسلمانان به وجود آمد، جرمی به وقوع پیوسته است. در قرآن نیز تعبیر به فساد فی الارض و محاربه شده است و از نظر حقوق جزای اسلام شدیدترین برخورد با محارب صورت می‌گیرد. محارب کسی است که با تهدید یا با به کارگیری اسلحه، به جان یا مال مردم تجاوز می‌کند. اعم از اینکه دزد سرگردنه باشد یا در داخل شهر به این اقدام دست بزند. در سوره مائده، آیه ۳۳، چهار مجازات شدید برای وحشت‌آفرینی در جامعه پیش‌بینی شده است. جزای چنین کسی، اگر مرتکب قتل شده باشد، قتل است و اگر تنها دزدی کرده باشد، قطع دست و پای مخالف است و اگر فقط به ارباب پرداخته است، نفی بلد است؛ بنابراین، مراد از محاربه با خدا، افساد در روی زمین از طریق اخلال در امنیت عمومی است.

اما مطلب بسیار مهمی که موضع قاطع اسلام در مقابل تروریسم را آشکارتر می‌کند، این است که از قدیم این مسئله مطرح بوده که آیا ایجاد وحشت و ترور فقط علیه مسلمانان ممنوع است یا علیه غیرمسلمانان نیز محکوم است؟ فقها فرموده‌اند، دست‌بردن به اعمال خشونت‌آمیز و ترور علیه هر کسی که باشد محاربه محسوب می‌شود و کسی حق ندارد به امنیت، آزادی و حیات دیگران تعرض کند. جالب‌تر اینکه طبق آیه فوق گفته می‌شود اقدام تروریستی علیه غیرمسلمانان هم در حکم جنگ با خدا و رسول است.

۴-۲-۳- نفی تروریسم؛ حکم مشترک ادیان

نمونه دیگر اینکه قرآن کریم در آیه ۱۵۱ سوره انعام می‌فرماید: «ای پیامبر ما، کسانی که دینی غیر از اسلام دارند را صدا کن و به آن‌ها بگو ما در هر چیز اختلاف داشته باشیم در ۵ چیز اختلاف نداریم». پنج چیز بر همه ما که مدعی دین‌داری هستیم از گذشته تا به حال حرام بوده و در حرمت آن‌ها در هیچ دینی شک وجود ندارد: یکی از آن موارد این است که آدم‌کشی از نظر همه ما ممنوع است. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ». در هیچ دینی دین‌داران اجازه نداشته‌اند برای پیشبرد اهداف خود بدون اینکه حق داشته باشند، دست به سلاح ببرند و آزادی و امنیت کسی را مورد تهدید قرار دهند؛ «ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ» این چیزی است که خدا از ابتدای نزول ادیان الهی به ما سفارش کرده «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» تا ما بیندیشیم. از این آیه استفاده می‌شود که تروریسم نه تنها به اسلام، بلکه به هیچ‌یک از ادیان آسمانی قابل انتساب نیست.

ممکن است کسانی بخواهند از استثنای موجود در آیه (إِلَّا بِالْحَقِّ) سوءاستفاده کرده و بگویند در جایی که مسلمانان خود را صاحب حق می‌دانند، مجاز به قتل و ترور شده‌اند. اما این هم درست نیست و مقصود آیه مواردی است که زنده ماندن کسی تجاوز به حقوق بشریت است. مثلاً آدم‌جنایتکاری که قصاص او دفاع از حیات انسانی است (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ) والا هیچ جنایتی مجوز جنایت دیگر نخواهد بود.

۵-۲-۳- قصاص؛ ترور نیست

در برخی از آیات و روایات به ظاهر منعی بر کشتن برخی از انسان‌ها وجود ندارد، اما بررسی عمیق این آیات و روایات، نتیجه دیگری به دنبال دارد. در آیات ذیل، کشتن برخی از انسان‌ها مجاز شمرده شده است:

الف. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ (۳۶)؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است»؛

ب. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا (۳۸) کيفر آنکه با خدا و پیامبرش به جنگ برمی‌خیزند و اقدام به افساد در روی زمین می‌کنند (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) فقط این است که اعدام یا به دار آویخته شوند.»

مراد از قصاص قاتل، مجازات فاسد و محارب چیست؟ و این‌ها چه کسانی هستند؟ قصاص در اصطلاح قرآن، نوعی قانون کیفری برای مجازات قاتل است؛ بنابراین، قصاص در آیه ۱۷۸ بقره، تنها به معنای کشتن نیست، بلکه کشتن آشکار قاتل یکی از اقسام آن است. قاتلی که به عمد مرتکب قتل شده است، هم می‌توان او را به قتل رساند و هم اولیای

دم می‌توانند او را ببخشند و تنها وی را با پرداخت دیه مجازات کنند. بدین‌سان، قصاص تنها راه برای از بین بردن افراد مزاحم و زمینه‌های جرم و دریچه‌ای به‌سوی حیات اجتماعی و نیز ضامن آن است.

آیه ۳۲ مائده، کشتن قاتل و مفسد را جایز شمرده است. از کشتن قاتلی که مرتکب قتل عمد شده است و آن از موارد قصاص است که در آیه ۱۷۸ بقره سخن گفته شد. فاسد نیز کسی است که به جنگ خدا و رسول خدا برخیزد یا اینکه در میان مردم ایجاد ترس و ناامنی کند. نکته مهم دیگر این آیه، مقام انسان در نزد خداوند است. از این‌رو، از پای‌درآوردن او همانند کشتن همه مردم دانسته شده است. شاید به آن علت که اگر کسی دست به خون انسان بی‌گناهی بیالاید، آمادگی آن را پیدا می‌کند که انسان‌های بی‌گناه دیگری را به قتل برساند.

نتیجه‌ای که از آیات فوق و تفسیر آن به دست می‌آید، آن است که اعدام قاتل، مفسد و محارب در صورت تحقق شرایط لازم، صرفاً به اذن امام عادل یا نایب خاص او یا رهبر و حاکم اسلامی به شکل آشکار، بدون پرده‌پوشی و به‌منظور بازگرداندن امنیت عمومی انجام می‌گیرد. درحالی‌که، ترور علیه مخالفان سیاسی و در نیل به اهداف سیاسی انجام می‌شود و در آن اذن امام عادل و... وجود ندارد و اغلب در پنهانی و برای ضربه‌زدن و اخلال در نظم عمومی صورت می‌پذیرد. در اسلام بر اساس «الایمان قید الفتک، المؤمن لایفتک ای الایمان، یمنع من الفتک کما یمنع القید عن التصرف»، ایمان مانع ترور است و مؤمن ترور نمی‌کند؛ یعنی اینکه ایمان ترور را منع می‌کند، همانند کسی که دستش بسته است و قادر نیست کاری انجام دهد؛ بنابراین، از روایات استفاده می‌شود که هر گونه کشتن به‌صورت پنهانی (ترور) شرعاً حرام و ممنوع است. در قانون و حقوق اسلامی حتی خدعه و نیرنگ در جبهه اسلامی و خودی را جایز نمی‌داند. خلاصه اینکه یک مسلمان، مسلمان را در مسائل مورد اختلاف نمی‌کشد.

۶-۲-۳- تروریسم و دفاع مشروع

امروزه «تروریسم» در رسانه‌های غربی بدون توجه به ریشه‌ها و تمایز بین اهداف، به اعمال خشونت باری گفته می‌شود که از سوی گروه‌ها یا اشخاص انجام می‌شود. با این تفسیر، اقدامات تروریستی شامل هر نوع اقدامی می‌شود که حتی ملت‌های ستم‌دیده فلسطین، افغانستان، عراق یا سایر مبارزان و مظلومان جهان برای رهایی و به دست‌آوردن حقوق پایمال شده خود، به دلیل به بن‌بست‌رسیدن تمام راه‌های نتیجه‌بخش دیگر انجام می‌دهند و در حقیقت، نوعی اقدام دفاعی (دفاع مشروع) در شرایط ویژه و با امکانات خاص برای متوقف کردن دشمنان و تنها راه رهایی از ستمگری و تجاوز اشغالگران است که آن را «ترور» می‌نامند (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۴۲۵).

عده‌ای دیگر با تعریف «ترور» به ایجاد ترس و وحشت می‌گویند، «تروریست» کسی است که دست به سلاح می‌برد تا در جامعه ایجاد رعب و وحشت کند. از این‌رو، در اصطلاح فقهی «ترور» را مترادف با مفهوم «محاربه» می‌دانند. هاشمی شاهرودی با ایجاد تمایز بین دفاع (مشروع) از خود و حاکمیت سرزمینی می‌گوید، جایی که یک حکومت غاصب حق ملتی را غصب کرده باشد، اگر افراد صاحب آن سرزمین در گرفتن حق خود، مجبور به نوعی محاربه (یعنی مبارزه) باشند؛ این امر محاربه محسوب نمی‌شود، بلکه دفع افساد است...، «ترور» در فقه و حقوق اسلامی، بیشتر تحت عنوان «محاربه» قابل بحث است، چون عنصر اصلی آن ایجاد مرگ و رعب و برهم‌زدن امنیت مردم بی‌گناه است و در سیستم قضایی، هر جرم این چنینی که به‌صورت مسلحانه باشد، محاربه سازمان‌دهی شده و «تروریسم» است. البته ایشان نکته‌ای را گوشزد می‌کنند که برخاسته از آیات قرآن است و آن اینکه دفاع مشروع نیز دارای حدود مرز است و اگر بیش از اندازه دفاع باشد،

۴- نتیجه گیری

تجاوز از دفاع مشروع است (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۳)، چنان که خدای متعال می‌فرماید: «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا» (بقره، آیه ۱۹۰)، یعنی حتی با کسانی هم که با شما نبرد می‌کنند نباید در مقام دفاع و مقابله، به بیش از اندازه دفاع اقدام کرد. از منظر فقه و حقوق اسلامی تجاوز حتی به دشمن نیز ناصواب و نارواست، جز آنچه به‌منظور پیش‌گیری از تجاوز باشد که آن هم اقدامی است با ماهیت دفاعی نه تجاوزگری (هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۳).

اسلام دین صلح و امنیت است و پیامبر آن «رحمه للعالمین» است. گسترش اسلام و وفاداری به آن نیز تا حد زیادی رهین اخلاق نرم، گذشت، اغماض و توجه مهربانانه رسول خدا(ص) بود. با ریشه‌یابی تروریسم به این نتیجه می‌رسیم که دین نه تنها تروریست‌پرور نیست، بلکه تنها چیزی است که می‌تواند آن را مهار کند. بر طبق اندیشه دینی انواع تمایلات انسانی اعم از نوع بینش (اعتقاد و باور)، گرایش (اخلاق) و کنش‌های او بر اساس اصول خاصی شکل می‌گیرد، لذا چنین انسانی هر کار و عملی را انجام نمی‌دهد. اعمال انسان دینی دارای مبنای مشخص و محدود است؛ بنابراین طبق اندیشه دینی و اسلامی تروریسم از باب مبانی اسلام و به‌ویژه حقوق انسانی و اسلامی در محدوده حق الناس و حق النفس بوده و محکوم است. تروریسم ریشه‌های مختلفی دارد، ولی همه آنها را می‌توان به یک چیز برگرداند و آن زیاده‌خواهی و دوری از اخلاق است. بدون اخلاق، انسان خودش را معیار همه چیز می‌داند و خود حق‌پندار می‌شود و برای تحمیل حرف خود به دیگران هر کاری که بتواند می‌کند و آخرین درجه آن خشونت و ترور است، اما در نقطه مقابل تا انسان به کرامت هم نوع خود اعتقاد دارد دست به ترور نمی‌زند. اگر ما در مبارزه با تروریسم جدی هستیم، راهی جز برگشت به دین و دعوت به اخلاق و توجه به اصول انسانی برخاسته از دین بر پایه یک قیام بشردوستانه نداریم، لذا باید همه بشردوستان جهان با همکاری یکدیگر به مقابله با این پدیده بپردازند.

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

۱. آندرو بوسا (۱۳۷۷)، بزهکاری بین‌المللی، ج ۱، ترجمه نگار رخشانی، تهران: گنج دانش.
۲. ابوالفضل، محمد (۱۳۸۵ق)، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. جمادی، حبیب‌الله (۱۳۹۰)، بولاغی، رضا، قانون مجازات اسلامی، تهران: نشر سبز.
۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۰)، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. خمینی، روح الله (۱۳۸۵ق)، تحریر الوسیله، قم: اسلامی.
۶. دردریان، جیمز و دیگران (۱۳۸۴)، تروریسم تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، ترجمه وحید بزرگی و دیگران، گردآوری و ویرایش علیرضا طیب، تهران: نی.
۷. دهموش عاملی، علی (۱۳۸۲)، دایره‌المعارف اطلاعات و امنیت در آثار و متون اسلامی، ج ۱، ترجمه، باقری، غلامحسین و گرمادری، رضا، تهران: دانشگاه امام صادق.
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۱)، لغت‌نامه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلام.
۹. رشید، احمد (۱۳۵۳)، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه دکتر حسین سیدی، تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران.
۱۰. رمضان البوطی، سلفیه (۱۳۷۳)، بدعت یا مذهب، ترجمه: حسن صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۱. شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷)، فقه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. صبحی صالح (۱۳۱۲)، نهج البلاغه تنظیم، تهران: منشورات دارالهجره.
۱۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل حقوق شهروندی و حقوق بشر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. عبدالحی، محسن (۱۳۸۸)، تروریسم، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: شهر دانش.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، فقه سیاسی، ج ۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۶۷)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر.
۱۷. فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۲)، وهابیان، تهران: صبا.
۱۸. مک لین، ایان (۱۳۸۱)، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه دکتر حمید احمدی، تهران: میزان.
۱۹. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۷۶)، فقه تطبیقی بخش جزایی، تهران: میعاد.

مقالات

۲۰. شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۰)، همایش «تروریسم دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل» پگاه، ش ۳۶.
۲۱. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۲)، «اسلام و تروریسم»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۵۹.
۲۲. طیب، علیرضا (۱۳۸۰)، «تروریسم در فراز و فرود تاریخ»، مجله راهبرد، ش ۲۱.
۲۳. فرزین نیا، زیبا (۱۳۷۶)، از نفوذ تا سد نفوذ، سیاست خارجی، س ۱۱، ش ۱.
۲۴. فلوری، موریس (۱۳۸۰)، «مبارزه با تروریسم از رهگذر حقوق بین‌الملل»، ترجمه سید قاسم زمانی، راهبرد، ش ۲۱.
۲۵. کوشا، جعفر (۱۳۸۰)، همایش «تروریسم و دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، پگاه، ش ۱۳.
۲۶. مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۸۰)، «تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده در همایش پنجم و ششم تهران.
۲۷. ممتاز، جمشید (۱۳۸۰)، همایش «تروریسم و دفاع مشروع از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل»، پگاه، ش ۱۳.
۲۸. هاشمی، کامران (۱۳۸۰)، «حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین‌المللی»، راهبرد، ش ۲۱.